تأیید دیدگاه آخوند در بیان محقق اصفهانی

مرحوم اصفهانی پنج روایت می‌آورند، کما اینکه مرحوم مظفر سه روایت آورده‌اند. حالا ما قبول داریم که این روایت را بیاوریم اما آن چیزی که فعلاً بحث ما است، این است که صاحب کفایه فرمودند به باب مراجعه کنید. ما باید همه روایات را ببینیم. نه اینکه از بین آن‌ها دو-سه روایت را بیاوریم و بگوییم این‌ها روایات متواتر است و بحث تمام شد! سؤالاتی که در ذهن من است را بعداً عرض می‌کنم. کل ابوابی از وسائل را که گفتم نگاه می‌کنیم. انشاءالله!

ایشان روایت «صم للرؤیة» را می‌آورند و بعد می‌فرمایند:

> 10:35

> **و عليه فيمكن أن يراد من اليقين في قوله عليه السلام (اليقين لا يدخله الشك، صم لرؤيته و أفطر لرؤيته). وه اليقين بدخول شهر رمضان المنوط به وجوب الصيام،و اليقين بدخول شوال المنوط به جواز الإفطار. و مقتضى هذه الإنطاة عدم وجوب الصوم في يوم الشك،لا التعبد بعدم دخول شهر رمضان لليقين بعدمه سابقاً. نعم ظاهر قوله عليه السلام:(اليقين لا يدخله الشك)فرض اليقين و الشك، و أنه لا يزاحم اليقين بالشك،و ليس هو إلاّ اليقين بعدم دخول شهر رمضان.إلاّ أن يقال:اليقين حيث أنه أنيط به وجوب الصوم،فلا يعطي حكمه للشك، و لا ينزل الشك منزلته.** [1]

«وه اليقين بدخول شهر رمضان المنوط به وجوب الصيام،و اليقين بدخول شوال المنوط به جواز الإفطار»؛ همینجا هم به عبارت استادشان اشکال دارند. الیقین بدخول الشوال، صاحب کفایه گفتند «الیقین بدخول رمضان و یقین بخروجه»، می‌فرمایند این مسامحه است.

«و مقتضى هذه الإنطاة عدم وجوب الصوم في يوم الشك»؛ حالا که وجوب منوط به یقین است، **«لا التعبد بعدم دخول شهر رمضان لليقين بعدمه سابقاً»؛** استصحاب نیست. استصحاب می‌گوید که متعبد باشد. شعبان باقی است و رمضان نیامده پس صوم نیست. اینجا می‌گویند نه، وجوب منوط به یقین است. یقین که نشد پس وجوب نیست. دو بیان است.

«نعم ظاهر قوله عليه السلام»؛ اول به آن‌ها یک اشکال می‌کنند که به طرف فرمایش شیخ انصاری بروند. بعد دوباره بر می‌گردند. آن جا که به آن طرف می‌روند این است، می‌فرمایند**:**

«نعم ظاهر قوله عليه السلام (اليقين لا يدخله الشك) فرض اليقين و الشك»؛ یعنی فرض می‌گیریم یک یقینی داریم و یک شکی می‌آید. یقین و شک مفروض است. و حال آن‌که اگر یقین را یقین به ماه مبارک و دخول آن بگیریم، این‌که نیست. چون به مقابله، فعلیت نیاز است. این را می‌فرمایند، بعد می‌فرمایند «الا ان یقال» و به تأیید حرف استادشان برمی‌گردند. همین عبارتی که مرحوم مظفر آورده‌اند که در اینجا یقین یعنی چه؟ یعنی در وجوب صوم، یقین روی کرسی نشسته است. یقین به ماه مبارک. این مناط است. وقتی مناط، یقین است، نباید شک را کنار او روی کرسی بنشانید. تمام! یعنی کاری به استصحاب ندارید. برای وجوب صوم، یقین است که روی کرسی نشسته است. حالا که یقین روی کرسی است، لایدخله الشک. شک نمی‌تواند کنار او روی کرسی قرار بگیرد. وقتی شارع یقین را روی کرسی نشانده است، نمی‌تواند آن را هم بنشاند. لذا بعداً هم می‌فرمایند یقین به‌معنای متیقن نیست و... . خودتان بعداً مراجعه کنید.

---

[1] نهایة الدرایة فی شرح الکفایة - ط قدیم ج۳ص۱۰۲

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 14:29:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 14:31:16 توسط ... .